

Obstacles to Realizing Government Transparency from Imam Ali (PBUH)'s Point of View in *Nahj al-Balagha*

Sayyed Hassan Hosseini*

Abstract

A lever to combat corruption in the governmental system is transparency, which is seen as a category fundamental to improvement of policy-making aimed at enhancing ties between the government and populace. Emphasizing the greatness of heavenly thoughts of Imam Ali (PBUH) and their superiority over human thoughts and views, an effort has been made in this article to pay attention, in Imam Ali's political thought, to obstacles to realizing transparency. To this aim, using the analytic-descriptive and documentary research methods, the answer is sought to the question of what in Imam Ali's political behavior are treated as obstacles to the realization of transparency. The research findings show that secrecy and refusing to provide news and information, lack of supervision and control, lack of accountability and responsibility, and despotism and arbitrary rule are among the obstacles disrupting work flow in government. These lead to underdevelopment and social injustice on the one side, and rent-seeking and diverting public resources towards privileged individuals and groups on the other side.

Keywords: government, transparency, obstacles to transparency, Imam Ali (PBUH), *Nahj al-Balagha*.

* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, sh.hosseini@birjand.ac.ir

Date received: 2021/04/11, Date of acceptance: 2021/10/02



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

موانع تحقق شفافیت در حکومت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

سیدحسن حسینی*

چکیده

یکی از اهرم‌های مبارزه با فساد در سیستم حکومتی، شفافیت است. شفافیت مقوله‌ای است که در جهت تقویت رابطه حکومت با مردم، یک حرکت اساسی در بهبود سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود و یکی از اهرم‌های مبارزه با فساد در سیستم حکومتی است. در این مقاله با تأکید بر عظمت اندیشه ملکوتی امام علی (ع) و تفوق آن بر افکار و آرای بشری تلاش شده است به موانع تحقق شفافیت در اندیشه سیاسی علوی توجه شود. بدین منظور، باروش توصیفی-تحلیلی به شیوه اسنادی، از طریق گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از اسناد و مدارک موجود در این موضوع، پاسخگویی به این سؤال دنبال می‌شود که در سلوک سیاسی علوی، موانع تحقق شفافیت در حکومت چه اموری است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پنهان‌کاری و عدم ارائه اخبار و اطلاعات، عدم نظارت و کنترل، عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، استبداد رأی و خودکامگی، از جمله موانع تحقق شفافیت در حکومت اند، که روند کار را در حکومت مختل می‌کند. محصول چنین فرایندی؛ از یک سو توسعه نیافتگی و بی‌عدالتی اجتماعی و از سوی دیگر رانت‌خواری و انتقال منابع عمومی به سمت افراد و گروه‌های خاص می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکومت، شفافیت، موانع شفافیت، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

* استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.

sh.hosseini@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

شفافیت، یکی از شروط اساسی برای جهت‌گیری اراده اشخاص است، که این اراده‌برای ایجاد دموکراسی^۱ و جامعه مردم‌سالار نقش حیاتی دارد. شفافیت مفهوم و کاربردهای گسترده‌ای دارد؛ مثل شفافیت سازمانی، شفافیت مالی و حسابداری، شفافیت اقدامات و مسئولیت‌های دولت، شفافیت اسنادی و... (زندیه؛ سالار وردی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). آنچه مورد نظر این پژوهش است، شفافیت از منظر سیاسی و حکومتی است، که عبارت از اطلاعاتی است که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد و به آن‌ها این امکان را می‌دهد، تا از اقدامات دولت آگاه شوند (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۷۳، به نقل از آن فلورینی، ۱۳۸۳: ۵۲۶). آگاهی عموم مردم از آنچه در حکومت می‌گذرد، موضوعی نیست که به جوامع مدرن امروزی اختصاص یابد؛ بلکه در رویکرد دینی نیز به مفهوم و محتوای شفافیت اشاره شده؛ همچنانکه سنت پیشوایان اسلام، مؤید این اصل است. همانگونه که در قرن‌ها پیش در عرصه حکومت اسلامی، مفهوم شفافیت و آگاهی بخشی به عموم، مورد توجه امام علی (ع) قرار گرفته است.

از آنجاکه در اندیشه سیاسی علوی، مردم نقش مهمی در حکومت دارند (طبری، ۱۸۷۹: ج ۳/۴۵۶). حق دارند بر روند اجرای امور در چهارچوب مبانی و احکام اسلامی نظارت کنند، چرا که مسائل حکومتی عرصه پنهانکاری نیست. بنابراین همه باید در جریان اقدامات حکومت قرارگیرند؛ تا زمینه‌های شفافیت فراهم آید.

امام علی (ع) به عنوان الگویی معصوم و موفق در دوران حکومت و زمامداری بر مردم، همواره بر وجود این اصل در حاکمیت تاکید داشت و همواره بر عمل به آن پای بند بود و کارگزاران حکومتی را به رعایت این اصل مهم سفارش می‌کرد و با بیان اهمیت آن، آنان را از وجود موانعی که ممکن است بر سر راه تحقق شفافیت قرار بگیرد آگاه می‌کرد و به آنها هشدار می‌داد، که گرفتار اینگونه مسائل نشوند، تا در اجرای امور حکومتی به مشکل برخورد نکنند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا به تبیین موانع تحقق شفافیت از منظر اسوه‌ترین حاکم دینی - پس از پیامبر اکرم (ص) - پردازد؛ زیرا فرض نویسنده بر این است که با بررسی اندیشه علوی درباره این موضوع، می‌توان به الگویی جزئی‌نگر و جامع بین دست یافت.

۱.۱ پیشینه پژوهش

موضوع شفافیت با رویکردهای گوناگون در پژوهش‌های مختلف بحث و بررسی شده است، که به لحاظ نظری پژوهش‌هایی با رویکردهای مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حسابداری و مالی و... به بحث شفافیت پرداخته‌اند. یکی از منابع مهم پژوهشی که در حوزه شفافیت انجام شده است، کتاب شفافیت و پاسخگویی است. این کتاب به بررسی جایگاه و اهمیت شفافیت و پاسخگویی در پارلمان می‌پردازد (پارلمان اندونزی و سازمان ملل، ۲۰۱۰).

در خصوص پیشینه مطالعاتی پژوهش نیز باید گفت؛ جستاری در پژوهش‌های گذشته نشان از این دارد، که پژوهش‌هایی با عناوینی مشابه با عنوان این مقاله انجام شده است، که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱.۱.۱

«حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن». (ضمیری؛ نصیری، ۱۳۸۹). نویسندگان در این پژوهش با بررسی توصیه‌ها و پیشنهادات نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه شفافیت نظیر سازمان بین‌المللی شفافیت، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و همچنین با بررسی استانداردهای جهانی تلاش کرده‌اند، تا نقش شفافیت از ابعاد مختلف آن اعم از اهمیت، مفاهیم، لوازم، مکانیسم‌ها و ارتباط آن با امور دیگر به عنوان یکی از ابزارهای نیل به حکمرانی مطلوب، آشکار شود.

۲.۱.۱

«بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب» (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸). نویسنده در این پژوهش به نقش شفافیت در نیل به حکمرانی مطلوب به عنوان بستری مساعد برای برخورداری از حقوق بشر و مکانیسم‌های ایجاد و تداوم آن پرداخته است.

۳.۱.۱

«شفافیت از دیدگاه حکومت اسلامی و حکمرانی خوب» (اختری، دارابی، ۱۳۹۸). نویسنده گان در این پژوهش به جهات اشتراک و افتراق دو نظام عرفی و اسلامی در زمینه مقابله با

فساد و نقشش فافیت در این زمینه و نیز شناخت و رفع خلأهای قانونی موجود مقابله با فساد در قوانین و مقررات داخلی کشور ایران پرداخته اند.

۴.۱.۱

«تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی» (عبدالحسین زاده؛ ثنائی، ۱۳۹۴). نویسندگان در این پژوهش به مطالعه مبانی نظری و کارهای پژوهشی و همچنین مصداق‌های عملیاتی و کاربردی اجرا شده سایر کشورها در حوزه شفافیت پرداخته و مزایا، کارکردها و فواید شفافیت را بیان کرده اند.

۵.۱.۱

«موانع ساختاری حکمرانی خوب» (همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۴). نویسندگان در این پژوهش به بررسی موانع ساختاری حکمرانی خوب در ایران پرداخته است. بدین منظور ابتدا سیری از نظریات توسعه که در نهایت منجر به خلق نظریه حکمرانی خوب شده است ارائه شده، سپس با توجه به تعاریف ارائه شده از این مفهوم و تعادل ساختاری میان سه بخش عمده جامعه در حکمرانی مطلوب، در سه سطح به موانع ساختاری تحقق یک حکمرانی در ایران پرداخته است.

۶.۱.۱

«بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب» (طاهری؛ ارسطو، ۱۳۹۵). نویسندگان در این پژوهش به پشتوانه‌ها و مبانی تئوریک اصل شفافیت از منظر مکاتب مختلف از جمله اسلام که در این زمینه دیدگاه مشخصی دارد که این دیدگاه در موارد متعددی با نظریه حکمرانی خوب مطابق دارد پرداخته اند.

جستاری در پژوهش‌های گذشته نشان داد، که این پژوهش از دو جهت متمایز از دیگر پژوهش‌هاست:

الف) در پرداختن به سیره حکومتی علوی دیدگاه صرفاً تاریخی ندارد، بلکه به دنبال استفاده‌ای نظری و اندیشه‌ای این دوران است.

ب) در مقایسه با تلاش هایی که در زمینه شفافیت صورت پذیرفته است، این پژوهش به دنبال تبیین سیره و سلوک عملی امام علی (ع) در تکمیل نظریه اسلامی در موضوع موانع تحقق شفافیت در حکومت است.

۲. مفهوم شناسی شفافیت

شفافیت واژه ای عربی است از ریشه «شف» (حیدری، ۱۴۲۳: ج ۱/ ۳۸۸). و به معنای نازک بودن، ظریف بودن، روشن بودن و زلال بودن است (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۳۳۶). این واژه، مصدر اسمی شفاف بوده، شفاف در لغت به هر چیز لطیف و نازک گفته می شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد؛ مانند بلور و شیشه (عمید، ۱۳۸۳: ۷۹۷). و جمع آن «شفوف» است (قیومی، ۱۶۶). با توجه به همین تعابیر، شفافیت را می توان به نازکی، درخشندگی و تابناکی تعبیر کرد (معین، ۱۳۸۶: ۶۲۰).

در اصطلاح، استعمال شفافیت در مورد اطلاعات، داده ها، رویه ها و به معنای «آشکار بودن» و «دردسترس بودن» آنها برای بررسی و نظارت بر آنها می باشد (ساریخانی؛ اکرمی سراب، ۱۳۹۲: ۹۳). براین اساس سازمان بین المللی شفافیت، در تعریف آن می گوید: شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه ای که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، نه فقط اصل موضوع، تعدا موضوع ها، و از شیوه های تصمیم گیری آنها مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل رؤیت، قابل پیش بینی، قابل درک باشد (Christopher, 2006: 233). به عبارتی دیگر شفافیت عبارت است از آشکاربودن مبنای تصمیمات حکومتی و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد، که به عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری برای استقرار دولتی کارا و ایجاد جامعه ای پایدار (همان). بنابراین شفافیت را می توان اطلاعاتی دانست که نهادها منتشر می کنند و همین اطلاعات ارزیابی این نهادها را آسان تر و روشن تر می کند (ضمیری، نصیری حامد، ۱۳۸۹: ۱۸۶). براین اساس شفافیت در حکومت یعنی تصمیمات یک حاکم یا مسئول در معرض دید باشد، به نحوی که امور مربوط به حوزه عمومی، خصوصی نشود و مردم بتوانند مبنای تصمیم حاکم و مسئول را بشنوند و بدانند.

۳. موانع تحقق شفافیت در حکومت

۱.۳ پنهان کاری و عدم ارائه اخبار و اطلاعات

توسل به پنهانکاری، سکه رایج همه حکومت‌ها در همه اشکال و همه دوره‌های تاریخی بوده است. این شیوه در همه حکومت‌ها، از دولت‌های دیکتاتوری و اقتدارگرا تا دولت‌های مبتنی بر مردم‌سالاری، امری رایج است؛ زیرا حکومت‌های دیکتاتوری از پنهانکاری در حفظ پایه‌های نظام نامشروع خود به صورت مستمر سود گرفته و به آن متوسلند.

تمایل به پنهانکاری در نظام‌های مردم‌سالار، بسته به شرایط و وضعیت تغییرمی‌نماید. برای مثال، هنگامی که امنیت ملی کشوری دستخوش بحران می‌گردد، ساختار نظام سیاسی به سوی حفظ اسرار و ایجاد محدودیت در دسترسی به اخبار حساس متمایل می‌گردد، که بروز چنین وضعیتی از سوی مردم نیز با اعتمادی که به ساختار منتخب خود دارند پذیرفته می‌شود. اما در هنگام وجود آرامش در تمامی شاخصه‌های مادی و معنایی امنیت ملی، مردم خواهان دسترسی معقول به اخبار و اطلاعات در مورد کارکردهای نظام سیاسی منتخب خود بدون سانسور دولتی هستند. با این همه، در نظام‌های مردم‌سالار نیز مکرر دیده می‌شود که با دست‌آویز قراردادن امنیت ملی، منطق نهفته در مردم‌سالاری، قربانی مطامع گروه حاکم می‌گردد و آزادی‌های اساسی در بازی پنهانکاری و سانسور اخبار و اطلاعات به خطر می‌افتد. بنابراین یکی از مهم‌ترین موانع تحقق شفافیت در حکومت را می‌توان، پنهان کاری و محروم کردن شهروندان از آگاهی و دانستن نسبت به مسائل حکومتی و تصمیمات دولتی دانست؛ در حالیکه در یک جامعه مردم‌سالار، کل حکومت و اطلاعات به مردم تعلق دارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳). و از ضروری‌ترین حقوق اولیه انسان‌ها، در نظام سیاسی جامعه، حق آگاهی و دانستن است، زیرا از این طریق مردم می‌توانند از تصمیماتی که نسبت به سرنوشت آنها گرفته می‌شود اطلاع و آگاهی پیدا کنند. لذا به عقیده «گرین» اساس و پایه دولت را، آگاهی عمومی از اهداف مشترک تشکیل می‌دهد (عالم، ۱۳۷۳: ۱۷۳).

اگر تاریخچه قانونی کشورهایمانی که در عرصه شفافیت پیشتازند را بررسی کنیم، اغلب به قانونی تحت عنوان آزادی اطلاعات برمی‌خوریم. قانونی که در آن، حق دسترسی عموم مردم به اطلاعات حاکمیت به رسمیت شناخته شده و مردم می‌توانند با ارسال درخواست،

آن اطلاعات را در اختیار داشته باشند. از این روی شفافیت در ارتباط با ارائه و دریافت اطلاعات یک حق اساسی بشر است که هم خود به عنوان یک حق مهم است و هم سنگ بنای دموکراسی، مشارکت و حکمرانی مطلوب به حساب می آید (ضمیری؛ نصیری، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

قرآن کریم، آگاهی بخشی و تعلیم بشر توسط پیامبران را هدف بعثت انبیا ذکر می کند (آل عمران: ۱۶۴). در سیره نبوی نیز به حق آگاهی و دانستن مردم توجه شده است، که نمونه های متعددی در تاریخ صدر اسلام مشاهده می شود و نشان می دهد، که زندگی پیامبر اکرم (ص) از شفافیت در حکومت و اطلاع رسانی به مردم سرشار بوده؛ تا جایی که مصالح امت اسلامی ایجاب می کرده است. در یک مورد نقل شده که وقتی پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفتند مکه را به قصد سرزمین های تیره های «هوازن» و «ثقیف» ترک کنند، حکومت و اداره شهر را به «عتاب بن اسید» سپردند، که جوانی بردبار و خردمند بود و بیش از بیست بهار از عمر وی نگذشته بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۲۷). در این جا پیش بینی می شد که با وجود برخی افراد مسن، انتصاب وی به عنوان حاکم با انتقادهایی روبرو شود، که آن حضرت خطاب به مردم، به اطلاع رسانی در خصوص مبنای تصمیم خویش می پردازند؛ تا مردم بدانند که انتخاب وی در چهارچوب ضابطه و مبتنی بر شایستگی او بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۱ / ۱۲۲-۱۲۳).

امام علی (ع) نیز دسترسی مردم به اطلاعات و اخبار حکومتی را در حکومت مردم سالار حق مردم می داند و به کارگزاران حکومتی دستور می دهد که در این زمینه پنهان کاری نکند (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ چرا که از دیدگاه آن حضرت مردم به عنوان پایه های اصلی حکومت، همواره حق دارند که در جریان همه مسائل کشور قرار گیرند؛ زیرا پیشرفت جامعه مرهون ساز و کارهای قانونمند و سازمان یافته تبادل آراء و عقاید است، که نه تنها موجب فراهم نمودن زمینه های مشارکت مردم در تصمیم گیری ها در مسائل عمومی و امکان نظارت مردم بر عملکرد مدیران می شود، بلکه ابزاری مهم برای مبارزه با فساد اداری است، زیرا فساد اداری همانند سایر فعالیت های منفی معمولاً در خفا اتفاق می افتد (بابایی؛ نظری، ۱۳۹۰: ۵۱).

عدم توجه به مسئله آگاهی بخشی مردم از سوی حاکم و کارگزاران حکومتی، پیامدهای ناگواری به وجود می آورد، که مهم ترین پیامد آن، به ویژه در جوامع مردم سالار، زیر سؤال

رفتن مشروعیت سیاسی ساختارها و سازمانهای نظام سیاسی است، که بر پنهانکاری اصرار می‌ورزند. شفاف سازی چاره این آفت است. شفافیت هم به معنای پاسخ‌گویی به درخواست در مورد اخبار و اطلاعات مورد توجه جامعه است که به جامعه اجازه می‌دهد دولت مطبوع خود را در قبال اعمالش پاسخگو نگاه دارد. از این روی امام علی (ع) در اغلب مسائل و فتنه‌هایی که پیرامون حکومت ایجاد می‌شد، با مردم گفت و گو می‌کرد و ضمن آگاهی بخشی و بیدار سازی از آنها می‌خواست که استواری خود را در کنار مولایشان از دست ندهند (اسکندری؛ تقی پور، ۱۳۹۳: ۱۰). براین اساس یکی از حقوق اصلی آحاد جامعه بر حاکم و کارگزاران حکومتی، حرکت در مسیر رفع پنهان کاری حقایق و شفاف سازی است، مگر در مورد اسرار نظامی و جنگی؛ زیرا اینگونه اطلاعات جزو امور و موارد حساسی است، که لازم است پنهان نگه داشته شوند و در اختیار همگان قرار نگیرند. از این روی امام علی (ع) در نامه‌ای به فرماندهان سپاه خویش، به آنان اطمینان می‌دهد، که هیچ مانعی برای شفافیت در امور حکومتی در بهره‌مندی مردم نسبت به اطلاعات حکومتی وجود ندارد، جز اسرار جنگی: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُخْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أَطْوَى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم.

این نامه از سه بخش تشکیل شده است. در بخش ابتدایی، به این نکته اشاره دارد، که پنهان داشتن اسرار از یاران و دوستان، نوعی ابراز بی‌اعتمادی به آنهاست، که در بسیاری از موارد سبب بدبینی یا تفسیرهای گوناگون برای یک واقعه می‌شود؛ اما هنگامی که رئیس جمعیت به طور کامل خبررسانی کند، پیوندهای عاطفی محکم‌تر و سوء ظن و بدبینی کمتر خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱۰/ ۳۱۶)؛ زیرا پنهان کاری‌های آنان ممکن است شبهات و بدگمانی‌هایی را برای مردم و سایر کارگزاران ایجاد کند (حاجیان؛ دلشاد تهرانی؛ امینی حاجی‌آبادی، ۱۳۹۶: ۹۶).

بخش دوم: نباید قدرت، حاکم و زمامدار جامعه را از مردم دور کند، بلکه باید به مردم اجازه دهد که در مورد حقوقشان، مطالبه‌گری کنند و زمامدار باید شفافانه در مقابل مطالبات به حق مردم پاسخگو باشد.

بخش سوم: بنابر مصلحت کشور باید اطلاعات و اسراری که متعلق به جنگ است از دسترسی عموم مردم مخفی باشد؛ برای اینکه در اختیار دشمن قرار نگیرد. لذا بر حاکم لازم است برای جلوگیری از عواقب و مفاسدی که از شفافیت این نوع اطلاعات حاصل می‌شود، مانع از شفافیت اسرار و اطلاعات جنگی شود (شوشتری، ۱۳۷۶: ج ۶/ ۵۹۶)؛ چرا که اگر اطلاعات جنگ و اسرار محرمانه حکومت فاش شود، دشمن به فکر آماده سازی می‌افتد و هم چنین سپاهیان به دلایلی از جمله ترس از جنگ در میدان نبرد حاضر نمی‌شوند.

سیره پیامبر اکرم (ص) نیز بر این مسئله استوار بود که وقتی قرار بود وارد جنگی شود، به دلیل مصلحت و از باب توریه مکان دیگری را وانمود می‌کرد. چنانچه در تاریخ نقل شده وقتی عازم جنگ بدر بود، نامه‌ای سربسته به سپاهیان نوشت و به آنها دستور داد سه روز به سمت مکه حرکت کنند و وقتی به مکان مشخص شده رسیدند، براساس آنچه در نامه است عمل کنند. پیامبر نیز بعد از آنها حرکت کرد و نهایتاً پیروزی نصیب سپاهیان اسلام شد. در صورتی که اگر موقع حرکت، پیامبر اطلاعات و اسرار جنگی را به صورت شفاف با همگان در میان می‌گذاشت، دشمن بر این مسأله آگاهی پیدا می‌کرد و آمادگی بیشتری را در برابر مسلمانان پیدا می‌کرد، یا هم اینکه سپاهیان اسلام از ترس مواجه با قریش در مکه، مانع از جنگ می‌شدند (ابن میثم، ۱۳۶۲: ج ۵/ ۲۱۶).

۲.۳ عدم نظارت و کنترل

اگر در تشکیلاتی نظارت و کنترل صورت نپذیرد دچار هرج و مرج می‌شود و به اهداف از پیش تعیین شده، از جمله شفافیت در امور دست نخواهد یافت. براین اساس مسئله نظارت و کنترل در امور حکومتی از ضروریات است و حاکمان برای رسیدگی دقیق به امور کارکنان و مدیران در رده های مختلف، ناچار به نظارت و کنترل دقیق و مستمر می‌باشند، که اگر این نظارت در رده های مختلف سازمان ها و دستگاههای حکومتی صورت نپذیرد، چه بسا زیان های جبران ناپذیری به بار می آورد، که نتیجه آن بی عدالتی، رشوه خواری و حیف و میل بیت المال و ایجاد مفاسد اقتصادی خواهد بود. بنابراین در مدیریت نوین، نظارت و کنترل به منزله یکی از وظایف مدیران در همه سطوح مدیریت از سرپرستی تا عالی اهمیت فراوانی دارد (الوانی، ۱۳۸۱: ۷۸). و از اصلی ترین وظایف حاکم اسلامی در عرصه های مختلف حکومت برای ارزیابی از عملکرد و برنامه های دستگاههای

زیرمجموعه و بازیابی نقاط قوت و ضعف آنان می باشد. براین اساس امام علی (ع)، نظارت و کنترل را یک اصل بنیادی در نظام اجتماعی شمرده و حکومت پویارا بر این امر مهم فرا خوانده و نتایج آن را، اصلاح امور، پاکسازی نظام، تنبیه متخلفان، دلگرمی مردم، امیدواری، و همبستگی و پیوند ملت و امام می داند، که این امر میسر نمی شود مگر با حضور ملت در صحنه و آگاهی آنان از عملکرد و برنامه های حکومت. از همین روی به طور آشکارا مردم را به عنوان ناظر بر کارکرد کارگزاران معرفی می کند و خطاب به مردم هر منطقه می فرماید: «اگر حاکم شما خلافی مرتکب شد، او را اطاعت نکرده و مراتب را گزارش دهید» (مفید، ۱۴۱۶: ۴۲۰).

در بحث نظارت و کنترل، دو مسئله باید مد نظر قرارگیرد:

۱.۲.۳ نظارتِ بدور از مسامحه

در امر نظارت و کنترل، نباید هیچ گونه مسامحه ای در کار باشد؛ زیرا نظارت تنها بر امور سطوح پایین کارکنان نظام صورت نمی پذیرد، بلکه باید در رده های پایین تا بالای نظام این امر خطیر بدون هیچ گونه ملاحظه ای انجام شود و اگر خلاف و ظلمی یا سستی در اجرای امور مشاهده گردید، با صراحت و قاطعیت تمام، رسیدگی شده و احکام لازم صادر شود. همانگونه که امام علی (ع) بر کارهای امیران و کارمندان خویش نظارت می کرد و دخل و خرج آنها را محاسبه می فرمود و هنگامی که به خیانت شخصی از آنان پی می برد، بی درنگ وی را عزل می کرد و اموالی را که اختلاس کرده بود از وی می گرفت. از این روی وقتی متوجه شد، که یکی از کارگزاران حکومتی مقداری از اموال مسلمانان را برای استفاده شخصی برداشته، به وی چنین نوشت: «بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ إِلَهَكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ؛ أَنْكَ تَقْسِمُ فِيءِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَتْهُ رِمَاحُهُمْ وَ خِيُولُهُمْ وَ أُرَيْقَتَ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فَيَمْنِ اغْتَامَكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ» (نهج البلاغه، نامه / ۴۳). گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای، و امام خویش را نا فرمانی کرده ای، خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گرد آورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو، و تو را برگزیدند، می بخشی.

در عهد نامه مالک اشتر نیز به این وظیفه مهم حکومتی چنین سفارش می فرماید: «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ» (همان، نامه ۵۳). رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. بنابراین، نظارت عامل مساعدی برای پیشرفت و واداشتن افراد به حرکت و اخلاص و بروز و ظهور شفافیت در کارها و تحقق عدالت فردی و اجتماعی است.

در این عبارت امام (ع) نظارت و بازرسی را حتی برای اعوان و انصار و نزدیکان حاکم نیز ضروری شمرده و آنان را از این امر مستثنی نکرده است.... فرمان حضرت مبنی بر تأکید بر جنبه مخفی بازرسی نیز اهمیت دارد؛ زیرا نظارت و کنترل پنهانی و مخفی، دارای آثار مثبت و فراوانی مانند ترغیب کارکنان به امانت داری و مدارا بامردم است. همچنین جمله نخست امام در این فرمان (ثم تفقد اعمالهم) کاوش، و پیگیری و جست و جو و مراقبت را می رساند. البته واژه «تفقد» در چند بخش نامه امام به مالک تکرار شده، که بیانگر حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است که از جمله نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت المال و تأکید بر تولید و سرمایه گذاری و آبادانی و عمران و نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی و تجارتي و صنعتی و رسیدگی به همه امور مربوط به بازرگانان، صنعتگران، کسبه و تجار و خدمات مربوط به آن هاست (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۰، به نقل از دری نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۰-۲۸۱).

۲.۲.۳ نظارتِ بدور از تبعیض

در امر نظارت و کنترل، نباید هیچ گونه تبعیضی وجود داشته باشد، که در غیر این صورت نه تنها شفافیت در این امر محقق نخواهد شد، بلکه خود بستری برای رانت و فساد ایجاد خواهد کرد. امام علی (ع) با توجه به این مهم به مالک اشتر سفارش می کنند، تا در امر نظارت تبعیض بین نزدیکان خویش با دیگران قایل نشود و مساوات و عدالت را برای همه جاری سازد. این دقت حضرت بیانگر این مسئله است، که انسان‌ها معمولاً در برخورد با نزدیکان دچار مسامحه و سستی می شوند. از این روی آن حضرت برای پیشگیری از این

امر می فرماید: «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ» (همان). و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر. بنابراین، اگر نظارت و کنترل به طور اصولی و دقیق انجام شود اثرات مثبت آن در جامعه و زندگی افراد آن به ظهور خواهد رسید و دیگر کسی جرئت نخواهد کرد، که برخلاف نظام و قانون عمل نموده و با این کار ناشایست خویش، نظام و یا سازمان را در رسیدن به هدف ترسیم شده با مشکل رو به رو نماید.

۳.۳ عدم پاسخگویی و مسئولیت پذیری

تا قبل از شکل گیری حکومت های دموکراتیک، اصل عدم پاسخگویی بر رفتار حکومت ها حاکم بود و دولت ها و حاکمان نسبت به رفتار خود مسئول نبودند. اصل عدم پاسخگویی دولت برخاسته از این اندیشه بود، که دولت در تمامی اقدامات و رفتاری که توسط ارگان های خود انجام می دهد، مشروعیت دارد و نه تنها سوء نیت ندارد، بلکه در جهت تأمین آسایش، رفاه و مصالح عامه ملت عمل می کند و از آنجا که رفتارش قانونی و همراه با حسن نیت و اجرای عدالت است، نباید نسبت به این نوع اقدامات، مسئول شناخته شود (عمید زنجانی؛ موسی زاده، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

از این روی امام (ع) نگران آن است که مبدا حکومتی بر مردم مسلط شود که خود را در برابر آنان پاسخگو و مسئولیت پذیر نپندارد: «وَلَكِنَّنِي أَسَىٰ أَنْ يَلِيَ [هَذِهِ الْأُمَّةَ] أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَعِبَادَهُ خَوْلًا وَالصَّالِحِينَ حَرْبًا وَالْفَاسِقِينَ حِزْبًا» (نهج البلاغه، نامه/ ۶۲). لکن از این اندوهناکم که بی خردان، و تبهکاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند؛ زیرا این مسئله را مانعی می داند، که عدم تحقق شفافیت در جامعه را بدنبال دارد و در جامعه ای که شفافیت در امور حکومتی وجود نداشته باشد فساد و رانت خواری گسترش پیدا می کند.

فیلسوفان و متفکران سیاسی پیشین همواره نگران بودند که چگونه می توانند قدرت را تحت نظارت و کنترل درآورند و آن را تحت قواعدی چهارچوب بندی کنند؟ راه حلی که

اندیشمندان جدید با آن، همه این نگرانی‌ها را برطرف کردند، پاسخگویی است (جلالی؛ اژنر، ۱۳۹۵: ۲۸). در راستای پاسخگو قلمداد کردن دولت‌ها و حاکمان بود، که وظایف و مسئولیت‌ها مشخص شد و هر شخص نسبت به اختیاراتی که به او واگذار شده بود مسئول قلمداد گردید. بنابراین مسئولیت‌پذیری را می‌توان نتیجه پاسخگویی دانست و هر شخص در راستای مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، باید نزد نهادهای ناظر پاسخگو باشد. براین اساس پاسخگویی، سازوکاری برای رام کردن قدرت معرفی، و از سه روش موجب بازداری از سوء استفاده از قدرت می‌شود: ۱. پاسخگویی صاحبان قدرت را به اعمال قدرت در روشی شفاف متعهد می‌کند. ۲. آنها را مجبور می‌کند که رفتارشان را توجیه کنند. ۳. آنها را تحت تأثیر تهدید، مجازات و تنبیه قرار می‌دهد (همان). و امنیت روانی جامعه، تقویت اعتماد عمومی به حکومت، تقویت همبستگی و مشارکت عمومی، امید بخشی و توجه به آینده، تقویت ثبات سیاسی و پیشگیری از تنش‌ها، همه از پیامدها و آثار مثبت نظام پاسخگویی مناسب و مسئولیت‌پذیر در جامعه به شمار می‌رود.

مسئولیت‌پذیری زمامداران و کارگزاران حکومتی همان پاسخگویی است؛ زیرا پاسخگویی، نوعی فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران در برابر وظایفی است که برعهده دارند و برای شخص ایجاد تعهد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری همان پاسخگویی است، یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران، به این معنا که «شماحق دارید و من تکلیف» (ایزدی فر؛ کاویار، ۱۳۸۹: ۳). از همین روی امام علی (ع) در نامه به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، به این مسئله مهم اشاره می‌کند:

وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ؛ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَنَاتَ فِي رِعْيَةٍ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْبِقَةٍ؛ وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ، وَ لَعَلِّي أَلَّا أَكُونَ شَرًّا وَلَأَنْتَ لَكَ (نامه/ ۵).

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

در این نامه امام علی (ع) مفهوم درست حکومت را به اشعث بن قیس و دیگران می‌آموزد، و آن اینکه زمامداران و کارگزاران در حیطه عمل خود مسئول و پاسخگو هستند.

یعنی حکومت مسئولیت‌پذیری است نه سلطه‌گری. علاوه بر اینکه در این‌نامه حکمت‌آمیز پاسخگویی دولت اسلامی در تمامی جنبه‌های آن مطرح است (رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). مؤثرترین روش در پاسخگویی که تأثیر زیادی در اعتماد آفرینی دارد؛ این است که زمامداران و کارگزاران حکومتی در مقام عمل پاسخگو باشند، نه صرفاً با لفظ و گفتار و ادعا و نوشته و پاسخگویی در عمل یعنی قبل از این که زمامدرا دیگران را به احساس مسئولیت تشویق کند، خود عامل به آن بوده و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد (ایزدی فرد؛ کاویار، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۱). براین اساس امام علی (ع) به مردم اجازه انتقاد از خود را در هر شرایطی می‌دهد:

وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَلَا تَنْظُنُّوا بِي اسْتِنْقَالًا فِي حَقِّ قَبِيلِ لِي وَلَا التَّمَّاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنْ اسْتَنْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ (نهج البلاغه، نامه/ ۲۱۶).

چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید، و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. این کلام حکیمانه از حاکم حکیم اسلامی است که خود را در برابر مردم و اجرای حق مسئول و پاسخگو می‌بیند و برای نهادهای شدن این مسئله در حکومت، و اطمینان از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری اداری، اداره‌ای به نام دارالقصاص را ایجاد کرد. این اداره شبیه به اداره استیناف امروزی است که برای شنیدن شکایات شهروندان در باب سوء استفاده یا سوء عملکرد (کارکنان) اداره تشکیل شده است (الوانی؛ دانایی فر، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

۴.۳ استبداد رأی و خود کامگی

مستبدان به رأی که خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌بینند و بر افکار فردی خویش اصرار دارند، غالباً گرفتار اشتباهات پرهزینه و یا خطرناک می‌گردند؛ زیرا در چنین جامعه‌ای بستر استبداد و خود کامگی فراهم می‌شود. و خود کامگی هم نماد حاکمیت حیوانیت در آدمی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). و در یک کلام، سلوک انسان مستبد، سلوک حیوانی

است و نتیجه آن هلاکت است: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱). کسی که استبداد به رأی پیشه کند هلاک می شود؛ چرا که استبداد و خود کامگی منشاء تباهی های گوناگون در جامعه و حکومت است. سیاستمداران مستبد و خود کامه، اندیشه و اندیشه ورزی را به بند می کشند، باب نقد و انتقاد را مسدود می کنند و هر ناروایی را بر خود و اطرافیان خود روا می دارند و باعث انحطاط فکری و عملی جامعه می شوند (فیضی پور؛ فیضی پور، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

در اندیشه سیاسی علوی، استبداد و خود کامگی مایه زوال و نابودی است: «الاسْتِبْدَادُ بِرَأْيِكُ يُزِلُكَ وَ يُهَوِّرُكَ فِي الْمَهَاوِي» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۱). خود کامگی تو را می لغزاند و در هلاکت گاه فرو می اندازد. براین اساس امام علی (ع) به کارگزاران حکومتی، دستور اکید می دهد که از خود رأیی دور باشند. چنانکه در سفارش به اشعث بن غیث می فرمایند: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رِعْيَةٍ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْفَقَةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵). این حق تو نیست که در میان مردم به استبداد و خود رأیی عمل نمایی. به مالک اشتر نیز سفارش فرمود: «وَلَا تَقُولَنَّانِي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَاطَاعُ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). مبادا بگویی من بر مردمان مسلط ام؛ از من فرمان دادن است و از ایشان اطاعت کردن.

در اندیشه سیاسی علوی مشورت و صلاح اندیش از مؤکدترین امور در روش، منش و رفتار سیاسی و مدیریتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۹۷). از این روی مشورت در امور حکومتی را لازم می داند: «حَقُّ عَلَيَّ الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَيَّ رَأْيَهُ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَيَضُمَّ إِلَيَّ عِلْمَهُ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۵۱). سزاوار است انسان خردمند رأی عاقلان دیگر را به رأی خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خود ضمیمه نماید؛ چرا که در نگاه امام علی (ع) مشورت هدایتگر بوده و مشورت با افراد متخصص را مانع گمراهی می داند: «مَنْ اسْتَعَانَ بِذَوِي الْأَلْبَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۸۳). هر کس از طریق مشورت از خردمندان یاری جوید راه هدایت و راست را بییماید؛ زیرا مشاوره و تبادل نظر با دانشمندان و علما از بسیاری آفت های سیاسی و خطاهای احتمالی جلوگیری می کند (بابازاده، ۱۳۷۹: ۹۱). بنابراین اگر فرد یا جامعه ای زمینه شنیدن، تحمل، و به کارگیری اندیشه و نظر دیگران را فراهم کند، مواضع اشتباهات را خواهد شناخت و به حقیقت خواهد رسید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳) آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

در سلوک سیاسی علوی مشورت برای تحکیم پایه‌های قدرت و ادامه تسلط و حکومت، یک امر صوری و تشریفاتی نیست، بلکه فلسفه وجودی مشورت و بهره‌گیری از مشاوران به دلیل یافتن راه‌های بهتر برای اداره درست جامعه و تحقق اهداف و پرهیز از اشتباهات و آزمون و خطا و هدر رفتن وقت‌ها و نیروها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و اقدام در جهت تحقق حکومت الگو است. از همین روی در نامه‌ای به سران سپاه خود می‌نویسد: «لَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). در اموری که پیش می‌آید، جز حکم الهی، بدون مشورت شما کاری انجام ندهم. همانگونه که، مشورت نه وسیله‌ای است برای آگاهی و دانایی نا آگاهان، بلکه ابزار مهم آگاهان و خردمندان است، برای تصمیم‌گیری درست‌تر و استفاده حداکثری از فرصت‌ها، برای رسیدن به اهداف و تحقق حکومت الگو. براین اساس امام علی (ع) در راستای تحقق حکومت الگو، همواره در بسط فرهنگ مشورت و توجه دادن مردم و جامعه به این امر مهم سعی می‌کرد؛ تا جایی که حتی شخص خود را نیز بی‌نیاز از مشورت نمی‌دانست (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ چرا که مشورت را محکم‌کننده و تکیه‌گاه و موجب استواری و اطمینان آرا و نظرات و تصمیم‌گیری‌ها می‌داند و زمامداران شایسته را کسانی می‌داند که با مردم به مشورت می‌نشینند و از نظرات سودمند آنان استفاده می‌کنند: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳). هیچ پشتیبان و تکیه‌گاهی مطمئن‌تر از مشورت وجود ندارد.

امام علی (ع) با آنکه از مقام عصمت و طهارت و نیز از علم و دانش بالا و هم‌چنین از نظر علم به سیاست و حکومت سرآمد همگان بود و از مشورت سایرین بی‌نیاز بود، باز هم همواره به کارگزاران و مردم توصیه می‌کرد، که از مشورت دادن به ایشان خودداری نکنند: «فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). از گفتن حق، یا رای زدن در عدالت باز مایستید.

امام علی (ع) خود را به عنوان یک انسان معمولی نه در مقام یک امام معصوم، بالاتر از آن نمی‌داند که خطا و اشتباهی کند. به همین دلیل به اطرافیان خود یادآوری می‌کند که از مشورت عادلانه خودداری نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۸/ ۲۶۹)؛ زیرا استبداد به رأی را مایه هلاکت می‌داند (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۱/ ۳۹۰). براین اساس در دوران زمامداری، در تمامی امور به مشورت با اطرافیان می‌پرداخت، تا با شفافیت هرچه بیشتر به امور حکومتی رسیدگی کند؛ چنانکه به عبدالله بن عباس در مورد نظری که در موردی داده بود و نظر امام

(ع) نیز مخالف با نظر او بود فرمود: «لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ وَأَرَى، فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَطِئْنِي» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۱). بر تو است که رأی خود را به من بگویی، و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی.

روشن است که حاکمان و کارگزاران حکومتی باید همواره به اصل مشورت و همفکری با سایرین پای بند بوده و از استبداد به رأی خود داری کنند؛ زیرا اگر خود را مصون از خطا و اشتباه بدانند، گرفتار کبر و خود پسندی می شوند و در اداره امور به رأی و نظر خود تکیه کرده که نتیجه اش بی خبری شهروندان از برنامه ها و مسائلی است که در عرصه حکومت اجرا می شود، که این بی خبری مانعی بزرگ برای تحقق شفافیت در حکومت به شمار می-آید. البته زمانی این اصل و دستور اسلامی می تواند آثار مفید خود را بر جای گذارد، که طرف مشورت -یعنی مردم- آگاهی لازم را داشته باشند. در نتیجه، می توان مشورت و شفافیت را لازم ملزوم یکدیگر دانست و هر کدام را مبنایی برای دیگری دانست.

نکته مهمی که در مورد مشورت وجود دارد این است که مشورتی موجب راهیابی درست به مقصد و جلوگیری از لغزش و پشیمانی ها و موجب شفافیت صحیح می شود که با آداب درست آن صورت پذیرد، یعنی از افراد و مشاورانی کار درست و باتجربه بهره گرفته شود، که متصف به صفات پروا پیشگی و خداترسی و راز داری و شجاعت باشند. از همین روی امام علی (ع) به مالک اشتر به عنوان کارگزار حکومتی به برخی از این آداب اشاره می کند: از مشورت با افراد ترسو و بخیل و حریص پرهیز شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام (ع) در این بخش از عهدنامه به مسئله مشاوران والی و صفات و ویژگی های آنها می پردازد و جالب اینکه از اصل لزوم مشورت سخن نمی گوید، زیرا آن را امر مسلمی فرض کرده که هر والی و زمامدار باید مشاورانی برای مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی داشته باشد، تا با استفاده از افکار آنها بهترین راه را برای پیشبرد این امور برگزیند و از استبداد به رأی و تکیه بر افکار فردی پرهیزد و مصالح رعایا تا آنجا که ممکن است رعایت شود (مکارم، ۱۳۸۶: ج ۱۰/۴۱۷). بنابراین برای اینکه شفافیت در امور حکومتی به مرحله عمل برسد و برنامه ها و مسائل حکومتی به صورت آشکارا در محضر همگان قرار گیرد، بایستی از استبداد به رأی خودداری شود و از اصل مشورت بهره گرفته شود.

۴. نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی موانع تحقق شفافیت در حکومت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه نتایج ذیل بدست آمد:

۱. یکی از مهم‌ترین موانع تحقق شفافیت در حکومت را می‌توان، پنهان‌کاری و محروم کردن شهروندان از آگاهی و دانستن نسبت به مسائل حکومتی و تصمیمات دولتی دانست؛ زیرا عدم توجه به مسئله آگاهی بخشی مردم، پیامدهای ناگواری به وجود می‌آورد، که مهمترین آن، به ویژه در جوامع مردم‌سالار، زیر سؤال رفتن مشروعیت سیاسی ساختارها و سازمانهای نظام سیاسی است که بر پنهانکاری اصرار می‌ورزند. شفاف سازی چاره این آفت است. از این روی در امام علی (ع) دسترسی مردم به اطلاعات و اخبار حکومتی را حق مردم می‌داند و به کارگزاران حکومتی دستور می‌دهد که در این زمینه پنهان‌کاری نکنند؛ چرا که از دیدگاه علوی مردم به عنوان پایه‌های اصلی حکومت، همواره حق دارند، که در جریان همه مسائل کشور قرار گیرند.

۲. نبود نظارت و کنترل در امور حکومتی یکی دیگر از موانع تحقق شفافیت در حکومت است؛ زیرا اگر در تشکیلاتی نظارت و کنترل صورت نپذیرد دچار هرج و مرج می‌شود و به اهداف از پیش تعیین شده، از جمله شفافیت در امور دست نخواهد یافت. براین اساس حاکمان برای رسیدگی دقیق به امور کارکنان و مدیران در رده‌های مختلف، ناچار به نظارت و کنترل دقیق و مستمر می‌باشند؛ زیرا اگر نظارت در رده‌های مختلف سازمان‌ها و دستگاههای حکومتی صورت نپذیرد، چه بسا زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد، که نتیجه آن بی‌عدالتی، رشوه‌خواری و حیف و میل بیت‌المال و ایجاد مفاسد اقتصادی خواهد بود. از این روی امام علی (ع)، نظارت و کنترل را در حکومت یک اصل بنیادی در نظام اجتماعی شمرده‌و حکومت پویا و ملت آگاه را بر این امر مهم فرا خوانده است. و نتایج آن را، اصلاح امور، پاکسازی نظام، تنبیه متخلفان، دلگرمی مردم، امیدواری ملت، و همبستگی و پیوند ملت و امام می‌داند، که این امر میسر نمی‌شود مگر با حضور ملت در صحنه و آگاهی آنان از عملکرد و برنامه‌های حکومت.

۳. هر شخص در راستای مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، باید نزد نهادهای ناظر پاسخگو باشد؛ براین اساس پاسخگویی، سازوکاری برای رام کردن قدرت معرفی شده است. بنابراین باید کل حاکمیت باید در قبال هر موضوع و تصمیمی خودش را برابر افکار

عمومی پاسخگو بداند چون عدم پاسخگویی فساد آمیز و مشکل ساز است. از این روی امام علی (ع) زمامداران و کارگزاران را در حیطه عمل خود مسئول و پاسخگو می داند. و معتقد است حکومت بر مردم، یعنی پاسخگویی و مسئولیت پذیری، نه سلطه گری؛ زیرا معتقد است حکومتی که براساس سلطه سیاست گذاری کند، به مردم اجاز سؤال و دریافت پاسخ را نخواهد داد، که نتیجه اش عدم تحقق شفافیت در امور خواهد بود.

۴. حاکم و کارگزاران حکومتی در جهت هر چه بهتر اداره شدن امور کشور و حکومت و تحقق شفافیت، باید به اصل مشورت روی آورند و از استبداد رأی و تیکه بر افکار فردی در مسائلی که مربوط به حکومت است پرهیز کنند؛ چرا که استبداد و خود کامگی منشاء تباهی های گوناگون در جامعه و حکومت است. از این روی در اندیشه سیاسی علوی، استبداد و خود کامگی مایه زوال و نابودی معرفی شده است. و در مقابل مشورت و صلاح اندیشی از مؤکد ترین امور در روش، منش و رفتار سیاسی و مدیریتی علوی است؛ زیرا اگر فرد یا جامعه ای زمینه شنیدن، تحمل، و به کارگیری اندیشه و نظردیگران را فراهم کند، مواضع اشتباهات را خواهد شناخت و به حقیقت خواهد رسید. براین اساس شورا و مشورت، از مهم ترین اصول مورد تأکید، در سیاست اسلامی است که می تواند به عنوان مؤلفه ای ارزشمند برای اصل شفافیت محسوب گردد.

پی نوشت

۱. دمکراسی یا مردم سالاری، مفهومی است که به فلسفه سیاست مربوط می شود و یک نظام حکومتی و طرحی برای جامعه است که هدف آن، کامیابی فردی و جمعی تمام شهروندان است (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۴۸).

کتاب نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه، ج ۵، بی جا: دفتر نشر الکتاب.
اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۹۰). «نظارت و مبانی آن در نظام و اندیشه علوی»، پژوهش نامه علوی، سال دوم، شماره اول، ۱-۱۹.

۱۳۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

اسگندری، کریم؛ نقی پور، ولی الله، (۱۳۹۳). «نقش ارتباطات و مهارت های ارتباطی در دوران حکومت حضرت علی (ع)»، پژوهش نامه علوی، سال پنجم، شماره دوم، ۱-۱۸.
الوانی، مهدی، (۱۳۸۱). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
.....؛ دانایی فر، حسن، (۱۳۸۷). گفتارهایی در فلسفه تئوریهای سازمانهای دولتی، تهران: انتشارات صفار.

انصاری، باقر، ۱۳۸۶، (۱۳۸۶). «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره ۱۲، ۱۳۷-۱۵۸.

ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین، (۱۳۸۹). «مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر مؤلفه های اخلاق حرفه ای»، پژوهش نامه علوی، سال اول، شماره دوم، ۲۰-۱.

آذرنوش، آذر تاش، (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم، محقق/ مصصح، مهدی رجائی، چ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

بابازاده، علی اکبر، (۱۳۷۹). سیمای حکومتی امام علی (ع)، قم: انصاریان.
بابایی، محمدعلی؛ نظری، زهرا، (۱۳۹۰). «آزادی اطلاعات: محدودیت ها، بایدها و نبایدها»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۴۷-۷۰.
جلالی، محمد؛ اژنر، زهرا، (۱۳۹۵). «پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش شرط ها»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱، ۲۱-۴۳.

حاجیان، رضا، دلشاد تهرانی، مصطفی، امینی حاجی ابادی، محمد رضا، (۱۳۹۶). «زمینه های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه»، پژوهش های نهج البلاغه، دوره ۱۶، شماره ۵۵، ۸۱-۱۰۱.

حیدری، محمد، (۱۴۲۳)، معجم الفعال المتداوله، ج ۱، قم: المركز العلمی للدراسات الاسلامیه.
خوانساری، جمال الدین محمد، (۱۳۶۰). شرح غرر الحکم، ج ۱، چسوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم، نشر معارف.
رحمانی، عبدالحکیم، (۱۳۸۳). «دولت پاسخگو در اسلام»، مجله معرفت، شماره ۸۲، ۱۱۳-۱۲۰.
زندیه، حسن؛ سالاروردی، حسن، (۱۳۹۲). «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات»، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۲۳ (۱)، ۱۱۶-۱۳۴.

موانع تحقق شفافیت در حکومت از دیدگاه ... (سیدحسن حسینی) ۱۳۵

- ساربخانی، عادل؛ اکرمی، روح الله. (۱۳۹۲). «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جناحی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۷، شماره ۸۲، ۹۱-۱۱۶.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵). فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
- شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۶، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ضمیری، عبدالحسین؛ نصیری حامد، رضا، (۱۳۸۹). «حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن»، پژوهش نامه حقوقی، شماره ۵۲، ۱۷۳-۲۲۴.
- طبری، ابن جریر، (۱۸۷۹). تاریخ طبری، ج ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳). بنیادهای علم و سیاست، تهران: نشر نی.
- عمید، حسن، (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی زاده، ابراهیم، (۱۳۹۰). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیضی پور، علی اصغر؛ فیضی پور، محمد حسن، (۱۳۸۹-۱۳۹۰). «مشورت در اندیشه سیاسی امام علی (ع)»، کتاب نقد، سال ۱۲-۱۳، شماره ۵۷-۵۸، ۲۲۹-۲۵۷.
- قیومی، احمدبن محمد. (۱۴۱۸). المصباح المنیر، بیروت: المكتبة العصریه.
- کمپانی، محمدحسین، (۱۳۶۲). منتخب الغرر ۴۰۰ سخن از سخنان حکیمانه علی (ع)، تهران: انتشارات مفید.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳). بحار الانوار، ج ۲۱، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- معین، محمد، (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات سرایش.
- مفید، محمدبن نعمان، (۱۴۱۶). الجمل، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمومنین، ج ۱۰؛ ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- واعظی، احمد، (۱۳۷۸). حکومت دینی، قم: مرصاد.
- یزدانی زنوز، هرمز، (۱۳۸۸). «نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»، نشریه حقوق اساسی، دوره ۶، شماره ۱۱، ۲۷۱-۲۹۰.